

Andishe-e-Taqrrib.35 Vo1.13.No.4.Winter 2018 P 87-109	اندیشه تقریب سال سیزدهم شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶ پیاپی ۳۵ ص ۸۷ - ۱۰۹
---	--

اخلاق جنگ گروه‌های تکفیری با تأکید بر سنت نبوی

طهماسب زمانی زاده^(۱)

چکیده

معیار قرارداد سنت نبوی در ابعاد مختلف زندگی بشر ضرورتی ثابت و نیازی همیشگی برای تمامی فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است. از آنجایی که گروه‌های تکفیری مدعی انطباق روش جنگی خود با سیره آن حضرت هستند و خود را منتسب به سنت آن بزرگوار می‌دانند، در این پژوهش تلاش می‌کنیم ضمن بیان ضابطه‌های اخلاق جنگ در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در نگاه تکفیری‌ها، به ارزش‌های اخلاقی در جنگ پردازیم و تفاوت این دو روش را با موضوعاتی چون ترحم و دلسوزی، صلح و مدارا، قساوت و بی‌رحمی، پایبندی به عهد و پیمان، مواظبت محیط‌زیست، رعایت حقوق اسیران و اخلاق انسانی درباره زنان و کودکان و کشتگان بررسی کنیم؛ در نتیجه این پژوهش، فاصله زیاد و انطباق‌ناپذیری روش گروه‌های تکفیری در پیکارهایشان با ارزش‌های اخلاقی سیره پیامبر گرامی اسلام، آشکار می‌گردد.

واژگان کلیدی: جنگ، اخلاق جنگ، گروه‌های تکفیری، سیره نبوی صلی الله علیه و آله.

(۱). سطح چهار حوزه و استاد سطوح عالی.

بیان مسئله و تبیین موضوع پژوهش

گروه‌های تکفیری با ادعای اقتدا به اخلاق و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سخت‌ترین و خشن‌ترین رفتارها را در برابر مسلمانان و نوع انسان انجام داده و اسلام راستین و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله را در اذهان عمومی خشن و ضد اخلاق جلوه می‌دهند. از آنجایی که سلفی‌ها ادعای پیروی از سلف صالح و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دارند، این سؤال مطرح می‌شود که اخلاق و رفتاری که گروه‌های تکفیری در جریان جنگ دارند، چه شباهتی با سیره و اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله دارد و آیا با این رفتارها می‌توانند خود را پیرو سیره پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کنند و اخلاق پیامبر در جنگ را این‌گونه ترسیم کنند؟ در این نوشته ضمن نگاه مقایسه‌ای به فرهنگ اخلاق مبارزه و جنگ میان مدعیان پیروی از سلف صالح و سنت نبوی، یعنی تکفیری‌ها، با سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بازشناسی تفاوت‌های روش این گروه‌ها با ارزش‌های نبوی و انحراف از آن، درصدد معرفی سیره واقعی نبی اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ و شناساندن اخلاق درست جنگ به دیگران هستیم.

اهداف و فواید تحقیق

۱. تمهیدی برای مباحث و هابیت‌شناسی به‌عنوان نمونه بارز گروه‌های تکفیری در بُعد اخلاقی، به‌ویژه اخلاق جنگ؛
۲. تقویت نگاه اعتقادی - معنوی و ارزشی به افعال مدافعان حرم در مواجهه با مدعیان سنت نبوی؛
۳. شناساندن حقیقت اسلام و سیره و اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا و پرده‌برداری از افراطی‌گری‌های گروه‌های تکفیری؛
۴. ارشاد فریب‌خوردگان از گروه‌های تکفیری؛

ضرورت پژوهش

دیرزمانی است نیروهای استعمار برای از بین بردن اسلام و تفرقه بین مسلمین

برنامه‌ریزی کرده‌اند تا بتوانند اسلام را به‌طور کلی از بین ببرند یا حداقل تضعیف کنند. بی‌تردید یکی از برنامه‌های از پیش طراحی شده آن‌ها، ایجاد و تجهیز گروه‌های تکفیری است تا با ایجاد وحشت در دل‌ها اسلام‌هراسی را تقویت کنند. چون برنامه‌ها و اسلوب آن‌ها با بقیه گروه‌ها متفاوت است و با اعمال‌مکرگونه خود باعث تشخیص ندادن حق می‌شوند، لازم دیدیم رفتار این گروه‌ها را بررسی کنیم و آن را با سیره نبوی تطبیق دهیم و نتایج آن را در خدمت تمامی حق‌جویان قرار دهیم.

مفهوم‌شناسی

الف) مفهوم اخلاق

اخلاق جمع خلق است و ماده آن (خ، ل، ق) در سه لغت وضع و استعمال شده است: (خلق) و (قلخ) و (لحق)، که با توجه به اشتقاق کبیر،^(۱) در همه این لغات، معنای «اندازه و تقدیری معین و ثابت» نهفته است (هدایتی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۷۸). خلق به معنای صفت نفسانی است که قابل تغییر است (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۱) و در اصطلاح به معنای صفاتی است راسخ در نفس که صاحب آن بی‌درنگ کار متناسب و متنظر با آن را انجام می‌دهد (ابن مسکویه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۱).

ب) مفهوم جنگ

جنگ در لغت به معنای نبرد، پیکار، جدال و قتال است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ص ۵۲۶) و در اصطلاح به معنای نبرد مسلحانه بین دولت‌ها تعریف شده است (روسو، ۱۳۶۴ش، ص ۴۷۲). واژه جنگ هیچ بار ارزشی ندارد؛ در حالی که جهاد در اسلام بار ارزشی مثبت دارد و برای رضای خداست. (انفال(۸):۷۴؛ توبه(۹):۲۰، ۲۴، ۴۱) و شروط ویژه‌ای از طرف دین برای آن تعریف شده است. مراد از جنگ در این نوشته، همان جهاد با قید

(۱). اشتقاق کبیر برگرداندن قالب‌های مختلف یک کلمه است که یا با جابه‌جایی حروف یا تعویض آن‌ها به دست آمده است.

خاص، یعنی جهاد برای رضای خداست.

اخلاق جنگ

این مفهوم زیرمجموعه اخلاق حرفه‌ای است و اصول اخلاقی مربوط به جنگ را بیان می‌کند و در واقع بیان قوانین مربوط به جنگ نیست؛ بلکه بیان آن دسته از اصول اخلاقی است که هر رزمنده به هنگام جنگ، به‌عنوان یک فاعل اخلاقی ملزم به اجرای آنهاست. مراد از اخلاق جنگ، بیان بایدها و نبایدهای اخلاقی در امر جنگ است؛ بیان مسائلی که در جنگ بیان‌نشده است؛ یعنی به‌لحاظ قانونی انجام دادن یا ندادن آن اعمال جایز است، ولی به‌لحاظ اخلاقی ممکن است انجام آنها الزامی یا ممنوع باشد؛ اگر هم در قانون ذکر شده‌اند، مسائلی هستند که اصالتاً متعلق به اخلاق هستند و این اخلاق است که بایدها و نبایدهای آنها را تعیین می‌کند.

کفر و تکفیر

واژه تکفیر مصدر باب تفعیل است که از ریشه «ک. ف. ر» گرفته شده و ثلاثی مجرد آن «کفر» است. کفر در لغت به‌معنای پوشاندن شیء است. شب را کافر گویند، چون اشخاص را می‌پوشاند و زارع را کافر گویند، زیرا تخم را در زمین می‌پوشاند. بعد گویند کفر نعمت پوشاندن آن است با ترک شکر و بزرگ‌ترین کفر انکار وحدانیت خداوند یا نبوت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳۳).

زبیدی و جوهری کفر را به ضدایمان معنا کرده و در ادامه، تکفیر را به فروتنی، محوکردن و ازبین‌بردن چیزی معنا کرده‌اند (زبیدی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۵۰؛ جوهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۰۷). زبیدی یکی از معانی تکفیر را کافردانستن دیگران دانسته است: «وکفره تکفیرا: نسبة إلى الكفر» (همان، ص ۴۵۶). در کتاب معجم اللغة العربية المعاصرة نیز آمده است: «كَفَّرَ الشَّخْصَ كَفَّرَهُ حَمَلَهُ عَلَى الْكُفْرِ وَ نَسَبَهُ إِلَيْهِ وَ قَالَ لَهُ كَفَرْتُ» (احمد، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۹۴۳). تکفیر شخص یعنی او را کافر بدانند یا نسبت کفر به او بدهند

یا به او گفته شود کافر شدی. وی در ادامه می‌گوید: «به عده‌ای جماعت تکفیری می‌گویند، به این سبب است که این گروه افراد سخت‌گیری هستند که اهل معصیت را به کفر متهم کرده و عده زیادی را تکفیر و به قتل می‌رسانند» (همان، ص ۱۹۴۴). عبدالمنعم نیز در ذیل ماده تکفیر می‌گوید: «تکفیر نسبت دادن یکی از اهل قبله به کفر است» (عبدالمنعم، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۷).

کفر در اصطلاح، عدم تصدیق پیامبر و انکار یکی از ضروریات دین است (ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۴۴). ابن حزم نیز گوید: «کفر در دین صفت کسی است که آنچه که خدا ایمان به آن را واجب کرده است، بعد از اتمام حجت، انکار کند» (ابن حزم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۹). ابن تیمیه نیز معتقد است کفر ایمان‌ناداشتن به خدا و رسول است (ابن تیمیه، بی تا، ج ۱۲، ص ۳۳۵). وی در جای دیگر کفر را انکار ضروری دین و احکام متواتر دانسته است (همان، ج ۱، ص ۱۰۶). در کتاب دیگرش نیز می‌گوید: «همانا کفر عبارت است از تکذیب رسول خدا از آنچه خبر داده است و امتناع از پیروی حضرت در صورتی که علم به صدق پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، مانند فرعون و یهود و مثل آن‌ها» (همان، ج ۱، ص ۲۴۲).

فخر رازی گفته است: «کفر به معنی عدم ایمان، یعنی عدم تصدیق ضروریاتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است» (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۶۷). ابن‌وزیر نیز می‌گوید: «اصل کفر تکذیب عمدی چیزی از کتاب خدا یا یکی از پیامبران است و یا تکذیب چیزی که پیامبران آن را آورده‌اند؛ البته در صورتی که آن چیز به طور مشخص ضروریات دین باشد» (ابن‌وزیر، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۳۷۶)؛ لذا کفر در اصطلاح عبارت از نداشتن ایمان به خدا و رسول و انکار ضروری دین است. طبق تعریفی که از علمای اهل سنت ذکر شد، کسی که منکر خدا و نبوت و ضروریات دین نباشد، از دایره کفر خارج است.

اخلاق جنگ نبوی صلی الله علیه و آله

اسلام به عنوان دینی کامل دارای جهان‌بینی است و باید و نبایدها و عقاید و اخلاقیات

خاصخود را داراست و سیره رفتاری نبی اکرم ﷺ بازتاب این جهان بینی است. گروه های تکفیری با ادعای پیروی از سیره پیامبر اکرم، هر روز جنایات بزرگی را علیه بشر انجام می دهند و سیره پیامبر را وارونه به نمایش می گذارند. مطالعه دقیق سیره پیامبر در جنگ، الگویی عالی و انسانی برای پیشبرد اهداف سیاسی و مذهبی ارائه می کند. در این بخش به نمونه هایی از رفتارهای اخلاقی پیامبر در جنگ اشاره می کنیم.

اخلاص و پاکی نیت

مسلمان باید همه کارهایش را برای خداوند خالص گرداند و هرگاه اخلاص نباشد و هدف غیر خدا باشد، نتیجه آنتباهیوزیانااست؛ از این رو وقتی رسول خدا سپاهش را برای جنگ روانه می کرد، سفارش می کرد: «اخرجوا بسم الله تقاتلون فی سبیل الله: با نام خدا خارج شوید و در راه خدا مقاتله کنید» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۰۰) و این سفارش رسول خدا همواره مورد توجه رزمندگان بود.

امام علی علیه السلام در گزارشی سخنان آغازین نبردهای پیامبر را بیان می کند. در این گزارش هشت خطی هشت بار نام «الله» آمده است و این بیان گر شیوه الهی پیامبر است. برپایه این گزارش، نبرد باید برای خدا و نام او و براساس قوانین وی اجرا شود (غلامی، ۱۳۸۸ش، ص ۷۱). امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماندهی را با لشکری گسیل می کرد، نخست او را به رعایت تقوای الهی درباره خود و عموم یارانش سفارش می کرد؛ سپس می فرمود: «به نام خدا و در راه خدا پیکار کنید و با منکران خدا بجنگید» (طباطبایی، ۱۳۶۰ش، ص ۴۱).

ابن ابی سبره، از قول اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحه، از رافع بن اسحاق، از زید بن ارقم نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به فرماندهان مؤته چنین فرمود:

«به شما وصیت می کنم که نسبت به خدا پرهیزگار و نسبت به مسلمانانی که همراه شمایند، خیراندیش باشید و هم فرمود: به نام خدا و در راه او جنگ کنید» (واقعی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۸).

امهال و فرصت‌دهی

یکی از راه‌های مهم مدارا با دشمن قبل از شروع جنگ، فرصت‌دهی است. در کتب روایی شیعه و اهل سنت، مانند وسائل الشیعه و سنن ترمذی، بابی وجود دارد که دعوت قبل از قتال را واجب می‌داند (حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۱۵، حدیث ۱۹۹۵۱ - ۱۹۹۵۴). دعوت به اسلام به صورت نصیحت و ارشاد، اتمام حجت و اقامه برهان و دلیل و در مواردی دادن فرصت مجدد به دشمن، طبق دستور خداوند متعال و سیره رسول اکرم ﷺ، از ضوابط مهم اخلاقی قبل از شروع جنگ است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۱۹). پیامبر اکرم ﷺ در توصیه به لشکر اسلام می‌فرمودند:

«اگر با دشمن مسلمانان روبه‌رو شدید، از کشتن آن‌ها دست نگه دارید و آنان را در ابتدای امر به اسلام دعوت کنید. اگر اسلام آوردند، آنان را پذیرفته و از کشتن آن‌ها خودداری کنید» (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۷).

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا هرگز با گروهی نمی‌جنگیدند، مگر اینکه ابتدا آن‌ها را به اسلام دعوت می‌کردند (سیواسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۴۵). در روایتی دیگر آمده است که ایشان حضرت علی رضی الله عنه را برای جنگ با گروهی فرستاد و به ایشان امر کرد که با آن‌ها نجنگد، مگر آنکه قبل از جنگ آن‌ها را دعوت کند (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۲۸؛ ابن اشعث کوفی، بی‌تا، ص ۷۷). در نقل دیگری آمده است که آن حضرت پیش از جنگ با بنی قریظه، آنان را به پذیرش اسلام دعوت کرد (جعفریان، ۱۳۷۸ش، ص ۴۴۹)؛ نیز موقعی که کفار امان می‌خواستند، امانشان می‌داد تا خود پس از تحقیق، اسلام را آزادانه بپذیرند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۴۸ - ۲۴۹).

صلح و مدارا

یکی از رفتارهای مهم اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ پیش از جنگ، صلح و مدارا با دشمنان بود. در این بخش، منظور ما از «صلح» دفع منازعه و جنگ و جدال است و منظور از «مدارا» نوعی برخورد همراه با سعه صدر و گذشت و تحمل است؛ معادل آنچه امروز از آن به

تساهل تعبیر می‌شود. بعضی به اشتباه، مدارا را با واژه «تولرانس»^(۱) غربی یکی می‌دانند؛ زیرا تولرانس نوعی برخورد همراه با تساهل و کوتاه آمدن از حق خود است که مورد قبول اسلام نیست (عبدالمحمدی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵؛ نوری، ۱۳۸۲ش، ص ۲۱۶).

قرآن کریم تأکید می‌کند که اگر در جنگ، طرف مقابل پیشنهاد صلح و سازش داد، باید آن را پذیرفت و از آن استقبال کرد (انفال (۸): ۶۱).

رسول خدا خطاب به طفیل بن عمرو دوسی که از وی برای راهنمایی قومش کمک طلبید، فرمودند:

«آنان را به اسلام دعوت کن و با آنان رفیق و مدارا داشته باش» (هیشمی،

۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۲۴۴).

در روایت دیگری از پیامبر آمده است:

«خدایم مرا به مدارا و ملایمت با مردم فرمان داد؛ چنان که به انجام دادن

واجبات مرا امر کرد» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۱۱۱۶).

حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از یهود که دشمن پیامبر بودند، عیادت می‌کردند (ابن اشعث کوفی، بی تا، ص ۸۲) و ورود بی اجازه به خانه‌های آنان (سیوطی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۴۶۸) و ستم بر ایشان را حرام کرده بودند.

برتراند راسل درباره تساهل در میان مسلمانان می‌گوید:

«بعضی از صفات برگزیده که امروز بر حسب عادت، آن‌ها را جزو عادات

حسنه به خصوص عیسویان می‌شماریم، پیش از این، در مشرق زمین بیشتر مستحسن

شمرده می‌شدند و به آن‌ها عمل می‌کردند تا در مغرب زمین. تساهل و تسامح در

اوایل ظهور اسلام، به ویژه حکومت اسلامی در مدینه و برخورد مسلمانان با

مسیحیان که کافر و مرتد تلقی می‌شدند، بسیار جوانمردانه‌تر از رفتار امپراتوران

بیزانس نسبت به عیسویان بود؛ زیرا پیامبر اسلام نه تشکیلات انگیزاسیون (تفتیش

(1)Tolerance.

عقاید) اروپا را به وجود آوردند و نه سیاه‌چاله‌های آن را که در قرون وسطا رایج بودند» (وشنوی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۱).

سلاح

پیامبر خدا استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را ممنوع می‌دانست. درباره حکم «المحاربة بالقاء السم» آمده است که علی علیه السلام می‌فرماید:

«پیامبر از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی فرمودند.»

خداوند متعال شب را وسیله آرامش و استراحت موجودات قرار داده است. پیامبر می‌فرمودند:

«هرگز آب مشرکان را زهر آلود نکنید» (حلبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۶-۴۷).

پایبندی به عهد و پیمان

یکی از مسائل مهم اخلاق جنگ، وفا به عهد و پیمان استو در مقابل کسانی که عهد را نگه داشته‌اند، باید عهدشان را نگه داشت (توبه(۹):۴). رسول خدا همواره به عهد و پیمان‌هایی که با دشمن می‌بستند، وفادار بودند (حلبی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۷۶). پیامبر اسلام در فتح مکه قریش را آزاد گذاشت و هیچ فردی را به قبول اسلام وادار نکرد تا خود ایشان دین صحیح را بشناسند و با مسلمانان عهد بست که در مکه کسی را جز چند نفر که کارشان اذیت و اخلال بود، نکشند (طبرسی، بی تا، ص ۱۱۰).

پرهیز از توهین به اجساد

یکی از آموزه‌های مهم اسلام درباره جنگ، نهی از تعرض به اجساد است و در هیچ صورتی اسلام اجازه نمی‌دهد که اجساد دشمن قطعه‌قطعه یا به اصطلاح مثله شوند و همه علمای اسلام از این کار منع کرده‌اند. مثله‌نکردن یکی از توصیه‌های مهم پیامبر به فرماندهان و سربازان بود و امیرمؤمنان در جنگ‌ها توصیه می‌فرمودند:

«عورتی را اظهار و کشته‌ای را مثله نکنید» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۴۸).

واقدی می نویسد:

«ابوجعفر از قول پدرش و جدش برایم نقل کرد: "پیامبر ﷺ هرگاه گروهی را به سریه‌ای می فرستاد، آن‌ها را از مثله کردن منع می فرمود"»

و همچنین می نویسد:

«ابن بلال هم از قول جعفر بن محمد از پدر و جدش برایم نقل کرد: "پیامبر اکرم هیچ‌گاه زبان کسی را نبریدند و هیچ‌گاه دستور نفرمودند که چشمی را میل بکشند و هرگز بر قطع دست و پا امر نفرمودند"» (واقدی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۲).

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماندهی را با لشکری گسیل می داشت، می فرمود کشتگان را مثله نکنید (گوش و بینی و انگشتان آنان را نبرید)» (طباطبایی، ۱۳۶۰ش، ص ۴۱).

مراقبت از اسیران

طبق آموزهای اسلامی، رفتارهای انسانی با اسیر عبارت‌اند از برخورد با نرمی، فراهم کردن مکان مناسب و دادن آب و غذای کافی به او. در این موارد فرقی بین کافر و مسلمان نیست. برخی از علما به طور مطلق کشتن اسیر را بدون اذن امام نهی کرده‌اند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۴۳).

پیامبر اکرم بعد از جنگ، رفتاری کاملاً اخلاقی و انسانی با اسرا داشتند. کشتن بعضی از اسیران هم به دلیل پایبند نبودن آن‌ها به پیمان‌هایی است که با رسول خدا داشته‌اند (همان، ص ۵۰۱).

پیامبر اکرم مردم را به خوش رفتاری با اسیران سفارش می کرد (طبری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۶۰). واقدی از ابوبکر بن ابی سبره روایت می کند که پیامبر دستور داد با اسیران با نرمی رفتار کنند (واقدی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۵). درباره رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با اسیران از زهری نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«شما را به رفتار نیکو با اسیران سفارش می‌کنم» (همان، ص ۱۱۹).

ابوعزیز، پرچمدار قریش در جنگ بدر، می‌گوید:

«از روزی که پیامبر سفارش اسیران را کرد، ما در میان آن‌ها خیلی محترم بودیم. آنان تا ما را سیر نمی‌کردند، خود دست به غذا نمی‌زدند» (سبحانی، ۱۳۷۰ش، ص ۵۰۱).

مقداد بن عمر می‌گوید:

«در سریهٔ نخله، حکم بن کیسان را اسیر کردم و نزد پیامبر آوردم. پیامبر او را به اسلام دعوت کرد و با او صحبت طولانی کرد. عمر گفت: "او ایمان نمی‌آورد، اجازه بدهید وی را بکشیم" (واقلدی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۹). حضرت نپذیرفت تا اینکه مسلمان شد و از کسانی بود که در جنگ بئر معونه به شهادت رسید» (همان، ص ۱۵).

از یحیی بن ابی‌کثیر برایم روایت کردند که پیامبر ﷺ می‌فرمود:

"هیچ کس به اسیری که برادر مسلمانش گرفته است، دست‌درازی نکند و او را نکشد" (همان).

مواظبت از محیط‌زیست

یکی از مهم‌ترین راهکارهای اخلاقی اسلام بعد از جنگ، تخریب نکردن محیط‌زیست و زیرساخته‌های انسانی است. پیامبر اکرم دربارهٔ محیط‌زیست همواره به مجاهدان می‌فرمودند:

«جز در موارد اضطرار، درختی را قطع نکنید» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۲۷) و همچنین سفارش می‌کردند: «درخت خرمایی را آتش نزنید و آن را در آب غرق نکنید. درخت ثمردهی را قطع نکنید و زمین کشت‌شده‌ای را آتش نزنید» (همان، ص ۵۹).

درجایی دیگر این سفارش پیامبر این‌گونه نقل شده است:

«درختان را از بیخ نزنید، جز آنکه مظطر باشید و نخلستان را مسوزانید و

به آب غرق مکنید و درختان میوه‌دار را برنیاورید و حرث و زرع را مسوزانید؛ باشد که هم بدان محتاج شوید. و جانوران حلال گوشت را نابود نکنید، جز اینکه از بهر قوت لازم افتد و هرگز آب مشرکان را با زهر آلوده مسازید و حیلت میارید» (همان).

اخلاق جنگ تکفیری‌ها

گروه‌های تکفیری ادعای اسلام و مسلمانی و پیروی از سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله دارند. اقتضای این ادعا سازگاری رفتارهای آن‌ها با قواعد اسلام و سیره نبوی است؛ اما رفتارهای عملی این گروه‌ها بدون توجه به مبانی اسلام و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله است. در این فصل برای روشن شدن ماهیت واقعی این گروه‌ها، رفتارهای اخلاقی آن‌ها را در جریان جنگ بررسی می‌کنیم.

عدم امهال و فرصت‌دهی

امهال و فرصت‌دهی قبل از جنگ به طرق گوناگونی صورت می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، اقامه دلیل و حجت برای مخالفان و فرصت‌دادن به آن‌ها و شنیدن حرف آن‌هاست. گروه‌های تکفیری بدون شنیدن حرف مخالفان و فرصت‌دهی به آن‌ها، بر ادعای خود پافشاری می‌کنند و به آنان هجوم می‌آورند. در ماجرای حمله وهابیان به شهر کربلا، مسئله مهمی که در پیروزی وهابیان نقش داشت این بود که مردم کربلا و بزرگان‌شان نتوانسته بودند حمله وهابیان را پیش‌بینی کنند و این امر باعث غافل‌گیری و نداشتن تدبیر در این باره شد؛ اما نکته اصلی اینجاست که در منابع تاریخی هم اصلاً گزارشی دال بر اینکه مردم در مقابل مهاجمان مقاومتی جانانه کرده باشند، نیامده است؛ مثلاً لوئیس دوکورانسی در این باره می‌نویسد:

«وهابیان بی آنکه مقاومتی جدی در برابرشان صورت گیرد، به سهولت

وارد شهر کربلا شدند» (دوکورانسی، ۲۰۰۳م، ص ۷۷).

در اتمام حجت نکردن با تکفیری‌ها همچنین می‌توان به رفتار ناگهانی اخوانی‌ها با

مردم کویت اشاره کرد (نصیف، ۲۰۱۴م، ص ۱۷۶؛ عارف مرضی الفتح، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۱).

قساوت و بی‌رحمی

گروه‌های تکفیری به نام گروه‌هایی خشن و قسی‌القلب شناخته می‌شوند. حافظ وهبه در این باره می‌نویسد:

«هرگاه نام گروه تکفیری اخوان بر ساکنان مرزهای عراق، شرق اردن و کویت برده می‌شد، رعب دل‌هایشان را فرامی‌گرفت» (ایلکسی، ۱۹۹۵م، ص ۲۸۵).

غالب اخوانی‌ها در مواجهه با دشمن هیچ رحمی نداشتند. آنان هنگام جنگ کسی را زنده نمی‌گذاشتند. در واقع آنان پیک مرگ بودند (همان، ص ۲۸۷). با آنکه امیر عبدالعزیز و علما همواره اخوان را به مدارا با مخالفان و پرهیز از قتل اسیران و پناهندگان سفارش می‌کردند، آنان به این توصیه‌ها توجهی نداشتند و به رفتار خود ادامه می‌دادند (همان، ص ۲۸۷).

اخوانی‌ها حتی به زنان و کودکان (وردی، ۱۳۷۱ش، ملحقات جلد ۶، ص ۲۲۶) و اسرا و پناهندگان رحم نمی‌کردند (وهبه، ۲۰۱۰م، ص ۳۷۷)؛ همچنین حامد الگار دربارهٔ خشونت اخوان‌التوحید گفته است:

«اخوان در شهرهایی مانند طائف، بریده و هدی مردم را علناً قتل عام کردند» (الگار، ۲۰۱۰م، ص ۴۱).

دربارهٔ قساوت گروه‌های تکفیری، همچنین می‌توان به رفتار گروه تکفیری طالبان اشاره کرد. نیروهای طالبان با تهاجم به شهرستان «سان چارک» از توابع استان سرپل و با ورود به روستاها و قصبات، منازل مسکونی و لوازم زندگی مردم این دیار را نابود کردند و به آتش کشیدند و بیش از یکصد تن از مسلمانان شیعه و اهل سنت و شماری از عالمان منطقه را قتل عام کردند و به طرز وحشیانه‌ای به شهادت رساندند (میرحسینی،

بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۰).

در اقدامی دیگر، گروه تکفیری طالبان با تصرف استان فاریاب و با ایجاد فضای وحشت و گرفتن زهر چشم از اهالی ازبک‌نشین منطقه، بیش از چهارصد زن و کودک بی‌دفاع را در نزدیکی فیض‌آباد قتل‌عام کرده و با ورود به هر خانه، همسر و بچه‌ها را درمقابل دیدگان پدر خانواده تیرباران کردند. سربازان طالب با پیشروی به طرف شهرستان اندخوی و استان جوزجان، مرکز شهر و مناطق اطراف را تصرف کردند و در اندخوی شش نفر را زنده‌زنده آتش زدند و در منطقه خواجه و دوکوه و شهر شبرغان، دست به قتل‌عام وحشیانه زدند و هزاران تن را کشتند (فرزان، ۱۳۸۹ش، ص ۲۷۳؛ عصمت‌اللهی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۷۳). هیچ قانون جنگی کشتن مجروح را جایز نمی‌داند؛ اما گروه‌های تکفیری با قوانین ساختگی خود، اقدام به کشتن مجروحان می‌کنند (فرزان، ۱۳۸۹ش، ص ۲۷۵).

رعایت نکردن حقوق اسیران

در نظام‌های اخلاقی اسیر دارای حقوقی است که همگان ملزم به رعایت آن هستند؛ اما گروه‌های تکفیری خود را ملزم به اجرای هیچ‌یک از این قوانین نمی‌دانند (فرزان، بی‌تا، ص ۲۷۴).

منابع عراقی اعلام کردند داعش ده‌ها نفر از اسیرانی را که ربوده، تیرباران کرده است. بیشتر این اسیران را افراد ارتش و پلیس عراق تشکیل می‌دهند. این منابع بیان کردند، این اقدامات داعش برای ترساندن افرادی است که در موصل هستند و نیز برای رهاشدن از اسیران است. منابع وابسته به سازمان ملل نیز ضمن تأیید این موضوع، تأکید کردند: «گزارش‌هایی مبنی بر اعدام ده‌ها نفر از سوی داعش در اطراف موصل طی هفته اخیر وجود دارد»

<http://www.mehrnews.com/news/3808057>

توهین به کشتگان

گروه‌های تکفیری بعد از کشتن افراد بی‌گناه به اجساد آن‌ها توهین و جسارت می‌کنند. احمد زرکوشی مدیر ناحیه‌السعدیه در استان دیاله تصریح کرد داعش قبل از دفن قربانیان در گورستان‌های دسته‌جمعی، اجساد آنان را مثله می‌کند

<http://www.presstv.ir/Detail/Fa/2015/04/14/406244/playing-football-severed-head-ISIL>.

نیروهای طالبان پس از ورود به شهر غم‌زده قزل‌آباد در ۲۵ کیلومتری شرق مزارشریف، حدود هفتاد زن و کودک و مرد سال‌خورده را به قتل رسانیدند. به گفته شاهدان عینی، تعداد زیادی از اجساد فاقد دست‌وپا بوده‌اند (همان).

رعایت نکردن عهد و پیمان

یکی دیگر از عملکردهای غیراخلاقی گروه‌های تکفیری، بی‌توجهی به پیمان‌های بین‌المللی بعد از جنگ و حتی نقض آن است. گروه تکفیری طالبان در دوران کنترلشان بر افغانستان، نشان دادند که یا معاهدات بین‌المللی را نمی‌دانند یا دست‌کم به آن پایبند نیستند؛ چون رفتار آن‌ها اعم از قتل دیپلمات‌های خارجی، کشتن اسیران، ربودن هواپیما و... اثبات‌کننده این مدعاست. طالبان با همان اندیشه تکفیری درباره شیعیان، به غرب کابل حمله کردند و برخی را اسیر کردند و سپس به قتل رساندند؛ درحالی‌که قتل اسیر، علاوه بر نقض معاهدات بین‌المللی، نقض اخلاق اسلامی نیز هست (مارزدن، ۱۳۷۹، ص ۵۷). گروه‌های تکفیری برای مدارا و تسامح جایگاهی قائل نیستند و بابت شرمی تمام بر مخالفان خود می‌تازند و به آن‌ها بی‌احترامی می‌کنند. براساس گزارش‌های مراکز خبری (پایگاه حضور روس‌ها در سوریه) از ابتدای برقراری آتش‌بس در سوریه، گروه‌های تکفیری ۱۹۹ بار آن را نقض کرده‌اند. <http://www.mehrnews.com>

استفاده از سلاح نامناسب

گروه‌های تکفیری برای رسیدن به پیروزی به تمامی روش‌ها متوسل می‌شوند. برای پیشبرد اهداف خود، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را در رأس برنامه‌های خود قرار

می‌دهند. گروه تکفیری طالبان هنگام شکست در برابر نیروهای جهادی احمدشاه مسعود از دره شمالی، با ریختن سم در چاه‌های آب و تخریب سدها و جوی‌های آب، مانع بازگشت زودهنگام اهالی تاجیک‌نشین منطقه شدند (احمد رشید، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۶).

کارگروه سازمان ملل در امور سوریه تأیید کرد که گروه‌های مسلح در حملات خمپاره‌ای به منطقه الشیخ مقصودشهر حلب از گاز کلر استفاده کردند. براساس گزارش منابع مختلف خبری از سوریه، گفته می‌شود که گروه‌های مخالف این کشور ضمن استفاده از موشک‌های حاوی عوامل جنگی شیمیایی، از این سلاح‌ها علیه مردم غیرنظامی «خان‌العسل» واقع در بخش شمالی استان حلب سوریه استفاده کرده‌اند که این امر ده‌ها قربانی بر جای گذاشته است.

<http://www.shafaf.ir/fa/news/175014>

این در حالی است که قوانین و اخلاق اسلامی به پیروان خود اجازه نمی‌دهد در حین جنگ برای رسیدن به پیروزی به هر خشونت دست بزنند و مرتکب اعمال ضدانسانی شوند، چه رسد به اینکه از سلاح‌های کشتار جمعی یا شیمیایی استفاده کنند. پیامبر می‌فرمودند: «هرگز آب مشرکان را زهرآلود نکنید» (حلبی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۴۶-۴۷) تا بدین وسیله افراد زیادی از دشمن کشته شوند و از این طریق دشمن دچار ضعف شود.

مواظبت نکردن از محیط‌زیست

یکی از مهم‌ترین اقدامات گروه‌های تکفیری بعد از جنگ، تخریب محیط‌زیست و زیرساخت‌های انسانی با ریختن سم در چاه‌های آب و تخریب سدها و جوی‌های آب و از بین بردن مزارع است (احمد رشید، ۱۳۷۹ش، ص ۱۲۶).

بدین ترتیب، ابزار معیشتی و لوازم زندگی مردم را نابود و سرزمین‌های حاصلخیز آنان را به بیابان‌های متروکه تبدیل می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰ش، ج ۶، ص ۸۵). تکفیری‌ها در شهرتکریت عراق میزان زیادی از نفت را در رود دجله خالی کردند و سپس آنجا را به آتش کشیدند تا آب را مسموم کنند و بتوانند با این کار

خبیث، میلیون‌ها نفر از مردم عراق را مسموم کنند و در ادامه کار، هزاران متر از زمین‌های زراعی و حیوانات را از بین بردند

<http://www.farhangnews.ir/content/72151>

ارزیابی اخلاق جنگ گروه‌های تکفیری براساس سیره نبوی ﷺ

برای رسیدن به هدف از مسیرهای مختلف می‌توان عبور کرد و به روش‌های گوناگون متوسل شد. مهم آن است که برای رسیدن به هر هدفی از راه مناسب آن وارد شد و بهترین روش را به کار گرفت. بینش‌ها و گرایش‌ها و روش‌ها زمانی که مبتنی بر اصول و مبانی صحیح اتخاذ شوند، راه رسیدن به هدف را برای انسان هموار می‌کنند. بدین منظور، لازم است روش‌ها مبتنی بر بینش‌ها و ارزش‌ها و گرایش‌های صحیح اتخاذ شوند. گروه‌های تکفیری خود را مسلمان و پیرو رسول اکرم و سلف صالح می‌دانند، اما روش‌های رفتاری آن‌ها در جنگ با مبانی اسلام و سیره نبوی تضاد آشکاری دارد. دربینش تکفیری خروجاز عدالت و برخورد براساس ارعاب، از اصول جدانشدنی جنگ است. در این فصل، رفتارهای اخلاقی این گروه‌ها را براساس سیره نبوی ﷺ پیش از جنگ در حوزه‌های اخلاق بینشی و گرایشی و روشی ارزیابی می‌کنیم.

اخلاق بینشی

مشکلی که دنیای اسلام با آن مواجه است، نتیجه بینش‌های خاصی است که رهبران گروه‌های تکفیری به پیروان خود القا می‌کنند. گروه‌های تکفیری به دلیل تعصب و خشکی عقیده‌ای که دارند، جنگ‌طلبی، نداشتن تسامح و هجوم همه‌جانبه به مخالفان را در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند.

محمدبن عبدالوهاب، سرکرده گروه تکفیری وهابیت، به‌ظاهر ندای آزادی اندیشه و پذیرفتن اجتهاد مجتهدان سر می‌داد، ولی هر مجتهدی را که با او مخالفت می‌کرد، سرکوب و تکفیر می‌کرد. سرکوب‌گری‌ها، تکفیرها و توهین‌هایی که در سرتاسر

نامه‌های محمد بن عبدالوهاب دیده می‌شود، ما را به این نتیجه می‌رساند که وی در برخورد با مخالفان، اعم از سنی و شیعه و عالم و عامی، روشی افراطی و تنگ‌نظرانه داشت و به چیزی جز حذف رقیب و سرکوب او نمی‌اندیشید. این‌گونه عملکردهای خشن و سرکوب‌گرایانه در سنت پیامبر که رحمة للعالمین بود، جایی ندارد و مورد تأیید دین مبین اسلام نیست.

گروه‌های تکفیری با انتساب خود به سنت نبوی به‌راحتی مخالفان خود را کافر می‌شمردند و آن‌ها را از دایره اسلام خارج می‌دانند و سخت‌ترین جنایات را در حق افراد مظلوم و بی‌دفاع روا می‌دارند. عرب با جنگ اُسی دیرینه داشت و علاقه او به جنگ شهره آفاق بود. پیامبر جنگ‌دوستی آنان را مهار کرد و روحیه صلح‌طلبی را در آنان پروراند و به آنان آموخت که جنگ‌خواهی ارزش نیست (غلامی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۶).

یکی از اقدامات بارز آن‌ها در این باره، ایجاد وحشت و عملیات انتحاری به اسم جهاد اسلامی و سیره نبوی است. اگر دلیل جهاد، از میان برداشتن توطئه فتنه‌گران و دفع تجاوز دشمنان باشد، که صحیح نیز همین است، نمی‌توان جهاد را دست‌آویز کرد و دست به ترور یا عملیات انتحاری زد (وهبة زحیلی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۸-۷۰).

اخلاق گرایشی

بینش‌های انسان‌گرایشی‌های او را جهت می‌دهند و شوق به انجام عمل خاصی را در وجود او تقویت می‌کنند. گروه‌های تکفیری در ابتدای امر برای جهاد و مبارزات خود اهدافی را تعریف می‌کنند و این اهداف را به آیات و روایات مستند می‌کنند. آنچه باعث می‌شود این گروه‌ها در هدف دچار تحریف شوند و از راه حق فاصله بگیرند، دو مسئله عمده است: اول اینکه این گروه‌ها در راه تحقق اهداف خود در شناسایی مصادیق دچار مشکل شده‌اند و با تعریف جدیدی که از شرک کرده‌اند، دایره شرک را گسترش داده و بسیاری از مسلمانان را در این دایره وارد کرده‌اند. دوم اینکه این گروه‌ها با

حرف‌شنویی‌های دقیقی که از استعمار دارند، به جای اینکه در مسیر اهداف خود گام بردارند، اهداف استعمار را پیش گرفته و از اهداف خود غافل شده‌اند یا آن‌ها را تغییر داده‌اند. این در حالی است که پیامبر خدا در مسیر اهدافی که برای خود تعریف کرده بودند، ثابت‌قدم بودند و اجانب نتوانستند در اهداف پیامبر خلل ایجاد کنند.

آنچه در نزد این گروه‌ها مهم است، اهداف شومی است که باید به آن دست پیدا کنند؛ اگرچه به دست افراد ناآگاه و کودکان و نوجوانان کم‌سن و سال انجام شود. گروه‌های تکفیری در انتخاب جنگجویان خود، بیشتر به انتخاب افراد ساده‌لوح و کودکان و نوجوانان کم‌سن و سال گرایش دارند و از حضور آن‌ها برای عملیات انتحاری بسیار بهره می‌برند.

<http://www.hamshahrionline.ir>

با چه توجیهی می‌توان از کودکان بی‌گناه این‌گونه سوءاستفاده ابزاری کرد. آنچه در سیره پیامبر خدا وارد شده، این است که رسول خدا برای تقویت جبهه‌های خود از کودکان استفاده نمی‌کردند و نوجوانان کمتر از پانزده سال را در سپاه نمی‌پذیرفتند و با جدیت تمام بر این امر نظاره می‌کردند. (طباطبایی، بی‌تا، ص ۴۱؛ طوسی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۴۲). کسانی که برخلاف سیره پیامبر خدا عمل می‌کنند، چگونه می‌توانند خود را پیرو سیره آن بزرگوار بدانند؟

اخلاق روشی

گروه‌های تکفیری در رفتارهای عملی براساس قانون خودنوشته شخصی عمل می‌کنند. زمانی که یکی از اسیران در دست تکفیری‌ها می‌پرسد «این رفیق شما چرا از ما این قدر کار می‌کشد؟ مگر نگفتید که سنت رسول‌الله این بوده که از اسیر کار نمی‌کشیده است؟»، پاسخ می‌شنود که هرکدام از ما قانون خودش را دارد (لکزایی، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۹۵). پس از این پاسخ آن‌ها معلوم می‌شود که در برخورد با اسیر، سنت پیامبر را نادیده گرفته‌اند و برخلاف سفارش‌های رسول خدا رفتاری کاملاً غیرانسانی با اسیران دارند.

<http://www.farhangnews.ir/content/76026>

این در حالی است که پیامبر خدا به اسیران بیشترین رحمت و شفقت را داشتند. گروه‌های تکفیری‌ها اتوبوس‌های اعزامی برای انتقال کودکان و مجروحان را آتش می‌زنند. این در حالی است که اقتضای مسائل اخلاقی بعد از جنگ این است که مجروحان پس از جنگ مداوا شوند؛ چنانچه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پرورش‌یافته مکتب رسول خدا دستور دادند چهل نفر از خوارج که مجروح بودند، مداوا شوند؛ سپس فرمودند به هر شهری که می‌خواهند بروند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۳۴) و گروه‌های تکفیری بدون توجه به سیره نبوی (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۳۴) از رساندن دارو به شهرهای جنگ‌زده منع می‌کنند و گاهی اوقات حتی مجروحان را می‌کشند.

این گروه‌ها بعد از جنگ بدن قربانیان را قطعه قطعه و مثله می‌کنند (احمد رشید، ۱۳۸۳ش، ص ۱۲۴)؛ همچنین وقتی طالبان به کابل رسیدند دکتر نجیب‌الله را که آخرین رئیس جمهور افغانستان در دوره کمونیست‌ها بود، از مقر سازمان ملل بردند و اعدام کردند. بعد از سه روز نمایش به صورت آویزان از تیر برق، اجسادش را تکه‌تکه کردند (روزنامه کیهان، تاریخ ۱۳۹۳/۷/۶ش، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۴، شماره ۲۰۸۸۴، صفحه آخر). این در حالی است که یکی از آموزه‌های مهم اسلام، نهی از تعرض به اجساد بعد از جنگ است و اسلام در هیچ صورت اجازه نمی‌دهد اجساد دشمن قطعه قطعه یا به اصطلاح مثله شوند و همه علمای اسلام از این کار منع کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹) و مثله‌نکردن یکی از توصیه‌های مهم پیامبر به فرماندهان و سربازان بود (همان).

نتیجه

تفاوت اخلاق جنگ نبوی (صلی الله علیه و آله) با اخلاق جنگ گروه‌های تکفیری تفاوتی بنیادی دارد و برگرفته از بینش فکری خودساخته خاص این گروه‌هاست. ادعای گروه‌های تکفیری مبنی بر پیروی از سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، ادعایی کاملاً کذب و غیرمنطقی است. رفتارهایی که این گروه‌ها در پیش و حین و بعد از جنگ از خود بروز می‌دهند، کاملاً غیراخلاقی است و با روش پیامبر اکرم در پیش و حین و بعد از جنگ تفاوتی جدی

دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از شروع جنگ، اهداف جنگ را براساس آموزه‌های قرآن برای رزمندگان تشریح و مشخصی کردند تا مجاهدان با رفتاری کاملاً انسانی و مطابق ارزش‌های اخلاقی دین به ستیز پردازند؛ اما رفتار جنگی تکفیری‌ها برخاسته از نقشه‌های از پیش طراحی شده دشمنان دین و برای ضربه‌زدن به پایه‌های اسلام است. گروه‌های تکفیری با نقش ابزاری خود، روزبه‌روز استکبار را به هدف خود در نداشتن مقبولیت جهانی اسلام نزدیک می‌کنند و در پی آن، از ارزش‌های اخلاقی و اصول انسانی فاصله می‌گیرند؛ لذا با توجه به مسائل بیان‌شده، باید حقیقت این گروه‌ها را برای همگان تبیین کرده و اسلام واقعی را به دنیا معرفی کرد تا میان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام گروه‌های تکفیری فرق گذاشته شود.

منابع

- قرآن کریم.
- ۱. مارزدن، پیترا (۱۳۷۹)، طالبان، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، مرکز.
- ۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۳. روسو، ژان ژاک (۱۳۸۴ش)، قرارداد اجتماعی، ترجمه منوچهر کیا، تهران، دریا.
- ۴. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰ش)، فروغ ابدیت، قم، دانش اسلامی.
- ۵. شفایی، اسدالله (۱۳۷۹ش)، طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، ترجمه اسدالله شفایی و صادق باقری، تهران، دانش هستی.
- ۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰ش)، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، قم، بی نا.
- ۷. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۴۱۸ ق)، تاریخ طبری، بیروت، اعلمی.
- ۸. عصمت‌اللهی، محمدهاشم و دیگران (۱۳۷۸ش)، جریان پرشتاب طالبان، تهران، نشر بین‌المللی الهدی.
- ۹. غلامی، مهدی (۱۳۸۸ش)، سیره اخلاق نظامی پیامبر، قم، کتاب طه.
- ۱۰. فروزان، احمدشاه (۱۳۸۹ش)، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، مشهد، آهنگ قلم.
- ۱۱. _____ (بی تا)، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، صفدرعلی موسوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۲. لک‌زایی، رضا (۱۳۹۱ش)، خاطرات یک گروگان، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم.
- ۱۳. میرحسینی، علی نقی (بی تا)، سان چارک در بستر زمان، بی جا، بی نا.
- ۱۴. نمایی، احمد (۱۳۸۷ش)، وهابی‌گری، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ۱۵. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۹۶۵م)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ۱۶. ابن سیدالناس، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، عیون الأثر، بیروت، دارالقلم.
- ۱۷. ابن مسکویه، (۱۴۱۱ق)، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، قم، بیدار.
- ۱۸. ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۱۰ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ۱۹. ابن اشعث کوفی، محمدبن محمد (بی تا)، الجعفریات، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
- ۲۰. ابن تیمیه حرانی حنبلی، ابوالعباس احمد عبدالحلیم (بی تا)، مجموعه الفتاوی، طبعه الشیخ عبدالرحمن بن قاسم.
- ۲۱. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد بن حزم (۱۴۰۴ق)، الإحکام فی أصول الأحکام، قاهره، دار الحدیث، چاپ اول.

٢٢. ابن حنبل شيباني، احمد بن محمد (١٤٢١ق)، مسند احمد بن حنبل، تحقيق شعيب الأرنؤوط و ديكران، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول.
٢٣. ابن وزير، محمد بن ابراهيم (١٩٨٧م)، إيثار الحق على الخلق في رد الخلافات الى المذهب الحق من أصول التوحيد، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ دوم.
٢٤. احمدى ميانجى، على (١٤١٩ق)، مكاتيب الرسول ﷺ، قم، دار الحديث.
٢٥. ايجى، عضد الدين عبدالرحمن (١٤١٧ق)، كتاب المواقف، تحقيق عبدالرحمن عميره، بيروت، دار الجبل.
٢٦. تفتازانى، مسعود بن عمر (١٤٠٩ق)، شرح المقاصد فى علم الكلام، قم، الشريف الرضى.
٢٧. حافظ وهبة، (٢٠١٠م)، جزيرة العرب فى القرن العشرين، بيروت، الدار العربية للموسوعات.
٢٨. حسيني زبيدي حنفى، محمد مرتضى (بى تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق مجموعة من المحققين، قم، دار الهداية.
٢٩. حلبى، على بن برهان الدين (١٤٠٠)، السيرة الحلبية فى سيرة الأمين المأمون، بيروت، دار المعرفة.
٣٠. دو كورانسى، لوييس (٢٠٠٣م)، الوهابيون تاريخ ما أهملته التاريخ، بى جا، بى نا.
٣١. راغب اصفهاني، ابو القاسم حسين بن محمد (١٤١٢ق)، المفردات فى غرائب القرآن، بيروت، دار المعرفة.
٣٢. سيد قطب (١٣٨٧ش)، تفسير فى ظلال القرآن، ترجمه مصطفى خرم دل، تهران، احسان.
٣٣. سيواسى، كمال الدين محمد بن عبد الواحد (بى تا)، شرح فتح القدير، بيروت، دار الفكر.
٣٤. سيوطى، جلال الدين (١٩٨١م)، الجامع الصغير، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٣٥. صالحى شامى، محمد بن يوسف (١٤١٤ق)، سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية.
٣٦. طبرسى، فضل بن حسن (١٣٧٢ش)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، ناصر خسرو.
٣٧. طوسى، ابو جعفر (١٣٧٦ش)، المبسوط فى فقه الامامية، تهران، دانشگاه آزاد اسلامى (واحد مركزى).
٣٨. عبد الحميد عمر، احمد مختار (١٤٢٩ق)، معجم اللغة العربية المعاصرة، بيروت، عالم الكتب.
٣٩. عبد الحميدى، حسين (١٣٨١)، تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و عترت ﷺ، قم، ظفر.
٤٠. عبد المنعم، محمود عبدالرحمان (بى تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، بى جا.
٤١. عینی، بدرالدين ابو محمد محمود بن احمد (بى تا)، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٤٢. فاسيليف، ايلكسى (١٩٩٥م)، تاريخ العربية السعودية، بيروت، شركة المطبوعات.
٤٣. فيومى، احمد بن محمد (بى تا)، مصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، بيروت، المكتبة العلمية.
٤٤. كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٦٥ش)، الكافي، تهران، دار الكتب الإسلامية.

٤٥. مجلسی، محمدباقر (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
٤٦. محمد نصیف (٢٠١٤م)، اخبار نجد من مجلة لغة العرب البغدادیة، تحقیق قاسم بن خلف الرویس، بیروت، بی نا.
٤٧. واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن واقدی (١٤٠٩)، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، عالم الکتب.

٤٨. وردی، علی (١٣٧١ش)، لمحات اجتماعیة من تاریخ العراق الحدیث، قم، شریف الرضی.
٤٩. وشنوی، محمد قوام (١٤١٢ق)، حیاة النبی و سیرته، قم، بی نا.
٥٠. هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر (١٤١٢ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالفکر.
٥١. سرخسی، محمد بن احمد شح (١٤١٥ق)، السیر الکبیر، ترجمه شبانی، بیروت، بی نا.
٥٢. هدایتی، محمد (١٣٩٥ش)، مناسبات فقه و اخلاق، قم، نگاه معاصر.
٥٣. حرّ عاملی، محمد بن حسن (١٤١٢ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
٥٤. جعفریان، رسول (١٣٩٤ش)، سیرة رسول خدا ﷺ، قم، بوستان کتاب.
٥٥. طبرسی، فضل بن حسن (١٤١٧ق)، أعلام الوری، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
1. [www// :ppt/dirf24die/lavmorf?php.sliateda/bl.moc.ranamla877556](http://www.ppt/dirf24die/lavmorf?php.sliateda/bl.moc.ranamla877556).
 2. <http://www.mehrnews.com/news/3808057.141395>دی.
 3. <http://www.presstv.ir/Detail/Fa/20406244/14/04/15/playing-football-severed-head-ISIL>.
 4. <http://www.yjc.ir/fa/news/51029025>
 5. <http://www.mehrnews.Com>.
 6. <http://www.shafaf.ir/fa/news/175014>.
 7. <http://www.farhangnews.ir/content/72151>.
 8. <http://www.hamshahrionline.ir>.
 9. <http://www.farhangnews.ir/content/76026>.